

ژاله غزیر الزور بیوسم و بر اثر سعادت و سلامتی آرزو میکنم

ژاله جان نامه محبت آمیزت دیروز بدستم رسید و اکنون پاسخ آنرا همراه با سئوالات مطرح شده در نامه می نویسم  
اول موقعیت من در دین اینجا با بودن دو تنگ و سایر روستاها بسیار بمن خوش میگذرد و نیز آنرا میکارا اگر قسم داین  
هفته باید ویزا آلمان را بگیرم و نیز آنرا میکارا سه ماهه بمن داده اند و اکنون مرتب از این مسکنه دارم کم می شود

آلمان هم باید بروم چون بلیطی هم نگرفته ام تهران - دین - کطن - فرانکفورت - سان فرانسیسکو - نیوی  
آلمان - دین و تهران است - خلع دلم میخواهد به لندن بیایم و شمارا ببینم و یا به آنظرها برآیدم تا بدیع بروم اما  
در رفتن من به آمریکا این امکان وجود ندارد و در بازگشت که فرصت و وقت آزاد بیشتر دارم محتاج برآیدم

بیدن سواد کار بدیع خواهی آمد آدرس و شماره تلفن شمارا دارم. اگر امکان دارد آدرس یا شماره تلفن  
بدیع را هم بمن لطف کنید که در مواقع لزوم بتوانم با شما تماس بگیرم. آدرس را میتوانم به روشنی بدیده

من هر جا باشم او آنرا بمن می رساند. این از کار من بر دین هم حالت خوبت و بشا و بدیع سلام می رساند  
تا بد تا یکی دو ماه دیگر به اردو بیاید  
اما پاسخ سئوالات شما: کار باستانی پارسیزی حالت خبیج خوبت و لذت سر هم کتاب تازه چاپ میلند و

هیچکس کار باستانی ندارد. آثار احمد شاملو بر اثر اعتیاد که داشته در اردو غالباً بهار است و کتاب کوچکی  
هم در تهرنت تدقیق شده. یعنی جلوه انشای بقیه آنرا گرفته اند. چهار جلدی که منتشر شده نایاب و گرانبه است

سایه پیش از یکسال است از زنده ان آزاد شده و مشغول استراحت و تمدد اعصاب میباشد. دکتر مشرفی  
هم بچاپ پیروده که هفتاد اجازه انتشار نیافته است و شاید هم نیاید. دو غزل ادرا همراه این نامه بعنوان  
سوغات زنده ان برای آن می نویسم تا صد ان حافظ نوزاد ما را در چنگال عسکرها و محبتها قرن بشنود.

اما در مورد کتاب شما و بدیع و سایر کتب ضاله! ایس از هجوم دیوانه دار گزیده طاق خمینی به شریف ترس ان  
روزگار ما چنان وحشی است که هر کس را از آن گرفت که هر چه کتاب غیر مذهبی بود بدست آتش یا کارخانه ها میخواستند  
پیروده می شد. البته خود صاحبان کتابها اینکار را میکردند و احتیاجی به پاسدار و مامور کمیته نبود. کتاب فرزندان  
من آن مقدار که بود هر پاسگیر کتابها را حیدر بابا به معواس از رفت و خوشبختانه کتابها را شما بدیع

چون در اقبال تو مابعد از این سرگذشت شوم محفوظ ماند و با بعلت آن ندمه کسی حرات خرد آنرا ندارد  
کتاب بدیع هم چون طور فرستادن آنهم بایست فال از خطر نشت. اما پنج جلد کتاب شمارا اما دو جلد

کتاب تعدادی بدیع و دو جلد کتاب پناهی بوسیله پناهی دوستی در اردو پست دارد برایشان فرستادم  
امید دارم این کتابها عروج زود در بدستان رسیده باشد

اما در مورد شرفها و کتاب جدیدتان یکی در هفته قبل از حرکت من از تهران نزدین خانم تلفن زود بود  
و آدرس خود را داده بود و من هم زخمی و کتاب دنامه را از اینان گرفتم. اینان در ضمن محبت

گفته: مقدار را از استاد زوال آورده ام و حرارت بود شبها، سینه و باقرزاد. آنها را  
 ببیند و بعد چای کنند. چون دستهای پشمنازده شستم با باقرزاد، شعرها را برداشتم تا بنظر  
 سینه برسانند و نسبت به چای آن آمده ام کنند. این تمام خبر بود که من داشتم اما در مورد  
 تلغز بسیار زدن هیچ اشکالی ندارد و کلی هم خوشحال میشود. آدرس باقرزاد هم: خیابان  
 انقلاب، خیابان دانشگاه، انتهای اتوبوس است و میتوانی با این نامه بنویسی و مطابق  
 مورد نظر خود را با این در میان بگذاری. در پایان نامه تا از خط دیگر نگذری نامه عزیز خود  
 گرا بماند. می بیند که نامه من ضعیف به خط و تدریس است و عذر خواهی هم نمکنم. زیرا بهتر از این  
 نمیتوانم بنویسم. خط سادگیست زیرا است و نامه ها مینا خوانده می و لذت بخش. راستی از کتاب  
 جدیدتان لذت ببرم و از ارسال آن تشکر میکنم.

ژاله خان مثل اینکه نامه من به طومار تا آخری شبیه شد و بیش از یک ساعت وقت شما را بر آن  
 مطالعه میکرد. در هر صورت در می با خیال شما صحبت داشته اند که از حرفه شما بودن نسبت  
 لطفاً پاسخ آن و هر نامه دیگر را به آدرس روشنگر بنویسید من در هر کجا باشم بکنایه  
 و شما پاسخ میدهم. بیشتر از این وقت عزیزتان را اشکرم و از هر دست در صحبت شما را  
 مینفهم. خدمت از بدیع سلام مخصوصاً ابراهیم و امیدوارم در بازگشت از خدمت  
 شما نیز بزرگتر بتوانم بزیارتتان نایل شوم. هر داد عزیز را سلام برسانید و زیارتتان

تغ  
 ۱۳۵۴/۱۱/۲۳

والله یارب العالمین سلام

در سلامت از در صیوم دیابت آرزوی سلامتی دارم - من هم خوب هستم و از اینکه  
 بابا اینها هستند خیلی خیلی خوشحال، واقعاً جان تو خالی هست، دلم می اندازد برایت سنگ شده،  
 بدان که خیلی خیلی دوست دارم و همیشه به یادت هستم، آن بدیع و مهر را در اسلام فراوان برسان.  
 شماره تلغز من ← ۹۳۲۵۸۵ - تهران ۰۲۲۲. مسکوت. روشنگر